



مقابله با داعش در موصل؛ بهانه مداخله جویی ترکیه در عراق

دکتر جعفر حق پناه*

اشاره:

عملیات آزادسازی موصل از سیطره داعش، صفحه تازه‌ای در کتاب قطور تحولات پیچیده عراق گشوده است. علاوه بر اقدامات، تحرکات و منافع متفاوت و متعارض احزاب و طوایف عراق؛ کشورهای ذینفع از جمله ترکیه نیز هر کدام به صورت جداگانه و یا در همکاری با یکدیگر و نیز حمایت از متحدان عراقی خود می‌کوشند تا با مداخله در عملیات آزادسازی موصل، موقعیت خویش را در این کشور تثبیت نمایند. در این میان ترکیه روش‌های مداخله گرایانه حادثی برگزیده که نه تنها چالش جدی برای دولت عراق به شمار می‌آید، بلکه می‌تواند در آینده، این همسایه مشترک را به آوردگاه رقابتی پرچالش با ایران نیز تبدیل نماید.

مقدمه

طی دهه‌های اخیر ترکیه همواره در مقام یک بازیگر منطقه‌ای در عرصه سیاسی و اقتصادی عراق نقش آفرین بوده است. در عین حال رهبران آنکارا کوشیده‌اند تا نقش و نفوذ این کشور را در عرصه‌های نظامی و امنیتی نیز بسط و گسترش دهند به گونه‌ای که دامنه تعاملات ترک‌ها و حوزه اعمال نفوذ آنها به تدریج از مسئله کردی در حوزه جغرافیایی شمال عراق به سایر موضوعات و عرصه‌های امنیتی نظامی همسایه جنوبی خود گسترده شده است. در این اواخر مسئله مبارزه با تروریسم و داعیه همراهی با ائتلاف جهانی ضد داعش برای آزادسازی شهر موصل و حمایت از ترکمانان و اهل سنت عراق برای مبارزه با داعش محمل مناسبی برای زمامداران حزب عدالت و توسعه بوده تا به بسط نفوذ خویش در عراق پردازند. اما اقدامات مداخله جویانه ترکیه به ویژه طی

ماه‌های اخیر با مقاومت و اعتراض جدی دولت عراق و شمار قابل توجهی از گروه‌های سیاسی این کشور روبه‌رو شده و روابط دو دولت را بیش از گذشته به تیرگی کشانده است. تحلیل ابعاد حضور و نفوذ ترکیه در عراق و مناسبات این دو کشور در بحبوحه جدی شدن تلاش‌ها برای آزادسازی موصل از اهمیت خاصی برخوردار است، به ویژه که تضعیف موقعیت داعش و میزان مشارکت و ابتکار عمل دولت‌های فعال در آزادسازی موصل از جمله ترکیه، بر جایگاه آنان نه تنها در عراق آینده، بلکه بر شکل‌دهی به تحولات آتی سوریه نیز تعیین کننده خواهد بود که در نوشتار حاضر ابعادی از این مسئله مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

ابعاد و پیشینه مناقشه میان آنکارا - بغداد در دوران پساصدام

پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در پاییز ۲۰۰۲، به فاصله کوتاهی، حمله نظامی نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا به عراق در بهار ۲۰۰۳ روی داد و رژیم صدام حسین متلاشی گردید. در این مقطع، مقامات آنکارا با همراهی نکردن آمریکا در اشغال عراق و منع استفاده نیروهای آمریکایی در استفاده از پایگاه هوایی اینچرلیک، سیاست سنتی این کشور مبنی بر پرهیز از مداخله در بحران‌های خاورمیانه را دنبال می‌کردند. به تدریج، با تثبیت جایگاه



حزب عدالت و توسعه و به دنبال توفیقات سیاست‌های رشد اقتصادی این حزب، دیپلماسی اقتصادی و تجارت محور و نفوذ اقتصادی در عراق به ویژه حکومت اقلیم کردستان در دستور کار رهبران ترکیه قرار گرفت؛ به گونه‌ای که از سال ۲۰۰۴ به بعد، ترکیه به مهمترین شریک تجاری عراق در میان همسایگان بدل گردید.

طی سال‌های نخست پس از فروپاشی رژیم بعث، دغدغه امنیتی عمده ترکیه‌ها دو پدیده به هم پیوسته شامل حضور و تحرکات نظامی حزب کارگران کردستان در شمال عراق و نگرانی از احتمال استقلال کردهای عراق (و در سال‌های بعد استقلال‌طلبی کردی در کردستان سوریه) و تشکیل دولت مستقل کردی توسط آنها بود. بر همین اساس رهبران ترکیه ضمن حفظ تعامل با مقامات آمریکایی و عراقی عمدتاً در صدد رفع این دغدغه‌ها بودند. از آن زمان تاکنون اگرچه این دغدغه‌ها کمابیش به قوت خود باقی مانده‌اند، اما کم و کیف تأثیرگذاری متغیر کردی بر حضور و نفوذ ترکیه مانند گذشته نیست و وجهی معکوس یافته است. به این معنا که در پرتو تحولات داخلی عراق و شکل‌گیری ائتلاف‌های جدید منطقه‌ای مرتبط با آن، حکومت اقلیم کردستان به رهبری مسعود بارزانی، نه تنها تهدیدی برای منافع و امنیت ملی ترکیه به شمار نمی‌آید بلکه به یکی از ستون‌های راهبردی بسط نفوذ این کشور در همسایه جنوبی، چانه‌زنی با بغداد و موازنه‌سازی با ایران بدل گردیده که ضمناً می‌تواند در دفع تهدید امنیتی پک‌ک نیز مفید فایده باشد.

در این چرخش راهبردی، تغییر نگرش و جایگاه راهبردی حکومت اقلیم کردستان در عراق و نیاز حکومت اقلیم با محوریت حزب دموکرات، به داشتن یک متحد دائمی و قابل اتکاء منطقه‌ای برای تثبیت موقعیت خود از یک سو و اهمیت یافتن عنصر نفت و گاز و مبادلات اقتصادی میان کردها و ترکیه از سوی دیگر بسیار مؤثر بوده‌اند. لذا بی‌اغراق نیست اگر ترکیه را بازیگر مسلط به معادلات اقتصادی شمال عراق بدانیم. در ترکیه هم مفهوم‌بندی تازه و بازنگری در جایگاه و موقعیت این کشور در منطقه موجب شده تا نه تنها در برابر مسئله کردی بلکه در خصوص کلیت مسائل عراق، طرحی نو در انداخته شود.

بر همین اساس پس از خروج نیروهای آمریکایی از عراق از سال ۲۰۰۹ و پیدایش خلاء قدرتی در منطقه که می‌توانست توسط ایران پر شود، ترکیه سیاست مداخله‌جویانه و تهاجمی در عراق را در پیش گرفت. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ جلوه‌های این خط‌مشی جدید را می‌توان در انعقاد قراردادهای جدید نفتی و خرید نفت کردستان عراق بدون مجوز دولت مرکزی، حمایت و سازماندهی

نخبگان اهل سنت ناراضی از دولت نوری مالکی، پناه‌دادن به طارق الهاشمی معاون پیشین نخست وزیر عراق - که تحت تعقیب دولت مرکزی بود-، برگزاری اجلاس‌های متعدد نخبگان و گروه‌های سیاسی مخالف بغداد در آنکارا و استانبول و موارد پرشمار دیگر مشاهده کرد. ظهور داعش و در افتادن عراق به ورطه جنگ داخلی، عرصه تازه‌ای برای مداخله جویی ترکیه و تشدید مناقشه میان بغداد و آنکارا گشود که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

سرکوب داعش: تهدید یا بهانه مداخله جویی ترکیه

پس از ظهور داعش و تصرف موصل در خرداد ۱۳۹۳ تاکنون، رهبران ترکیه محمل تازه‌ای در عراق یافته‌اند. در حالی که واکنش عمومی در برابر تهدید تکفیری‌ها و شیوه مقابله اکثریت مردم عراق، اعم از شیعه و سنی و عرب و ترکمان، در قالب نیروهای مقاومت مردمی موسوم به «حشد الشعبی» تجلی یافته است، ترکیه با همراهی برخی دولت‌های عرب به تقویت و سازماندهی عشایر اهل سنت عراق تحت نام «حشد الوطنی» روی آورده است. آنها ضمن متهم کردن حشد الشعبی به فرقه‌گرایی و کشتار اهل سنت در شهرهای فلوجه، تکریت، رمادی و تل‌عفر، مدعی هستند که به همین دلیل می‌بایست نیروی شیعی حشد الشعبی از مشارکت در عملیات آزادسازی شهر عمدتاً سنی‌نشین موصل کنار گذاشته شود. در این رابطه نزدیکی مواضع ترکیه و دولت‌های عرب حاشیه خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی معنادار به نظر می‌رسد. در حاشیه پنجمین اجلاس مشترک ترکیه و اعضای شورای همکاری خلیج فارس (ریاض - ۲۲ مهرماه)، وزیر خارجه ترکیه مواضع تندی

اقدامات مداخله‌جویانه تازه ترکیه با مخالفت دوباره دولت حیدر العبادی و اغلب گروه‌های سیاسی عراق روبه‌رو شده است. نخست وزیر عراق، اقدام ترکیه را نقض حاکمیت کشور خود دانسته و اعلام نموده است که به این نیروها اجازه مشارکت در عملیات موصل را نخواهد داد. عمار حکیم، رئیس مجلس اعلی و رئیس ائتلاف هم‌پیمانی ملی عراق نیز در خصوص لزوم پرهیز از مداخله در امور داخلی کشورش به اردوغان هشدار داد. مهم‌تر از آن هشدار جدی هادی العامری، فرمانده نیروهای حشد الشعبی مبنی بر مقابله نیروهای تحت امر وی با حضور اشغالگرانه نظامیان ترک بود.

علاوه بر دولت و نیروهای شیعی، ترکمن‌ها و کردها نیز در سطحی محدودتر مخالفت خود را ابراز داشته‌اند، از جمله تورهان مفتی، رئیس حزب ترکمانی الحق، دخالت ترکیه را توجیه‌ناپذیر خواند و با حضور این نیروها در عملیات آزادسازی موصل مخالفت کرد. در کردستان عراق، با وجود سکوت توأم با رضایت حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی و نیز حزب اخوانی اتحاد اسلامی، سایر گروه‌های سیاسی شامل حزب شیعی، جماعت اسلامی، گوران، اتحادیه میهنی کردستان و جنبش اسلامی طی بیانیه‌هایی مخالفت خود با حضور نظامی ترکیه در موصل را ابراز داشتند. با وجود این مخالفت‌ها، بعید به نظر می‌رسد که ترکیه نیروهای خود را خارج کند، از سازماندهی و تجهیز حشد الوطنی دست بکشد و یا با حضور نیروهای حشد الشعبی و آزادسازی موصل توسط این نیروها و ارتش عراق همراهی کند. ترکیه از آن رو به این شکل مداخله مستقیم روی آورده که گروه‌های مؤتلف خود به ویژه حزب دموکرات کردستان را در موقعیت مناسبی نمی‌بیند و ضمناً در ایجاد ائتلاف میان پارتی، ترکمانان اهل تسنن و عشایر اهل سنت نیز توفیق چندانی کسب نکرده است.

نگرانی دیگر رهبران حزب عدالت و توسعه در شمال عراق و استان نینوا، از نفوذ و حضور حزب کارگران کردستان ترکیه ناشی می‌شود. نیروهای این حزب که از گذشته در این منطقه و به ویژه در مخمور حضور داشته‌اند، در مقابله با داعش حضور فعالی داشته و هم‌اینک در میان کردهای ایزدی و مردم در سنگال و سایر نواحی حومه موصل از پایگاه اجتماعی قابل توجهی برخوردارند. افزایش توان عملیاتی و مقبولیت اجتماعی این گروه که همزمان در داخل ترکیه و نیز در سوریه، جبهه‌های جنگی پر هزینه‌ای علیه این کشور ایجاد کرده‌اند، برای مقامات آنکارا قابل تحمل نیست. آنها صراحتاً بر مخالفت با حضور نیروهای وابسته به پ‌ک‌ک در عملیات آزادسازی موصل تأکید داشته و فرماندهان حشد الشعبی را به همکاری با پ‌ک‌ک در

علیه دولت حیدر العبادی و حشد الشعبی اتخاذ نمود. در بیانیه پایانی این اجلاس نیز ضمن انتقاد از نقش ایران در عراق، بر منع حضور نیروهای شیعه در عملیات آزادسازی موصل و هم‌چنین لزوم حضور ترکیه در عراق تأکید شده است.

مسئله حضور نظامی ترکیه در عراق به شکل علنی و نسبتاً گسترده فعلی آن به سال ۲۰۱۵ باز می‌گردد. در این سال، دولت ترکیه با بهانه قراردادن درخواست ائیل الجیفی استاندار وقت نینوا برای مقابله با داعش، یک گردان زرهی در اردوگاه «بعشیکه» در حوالی موصل مستقر نمود. استقرار این نیروها از همان ابتدا با مخالفت دولت حیدر العبادی مواجه بوده و مقامات بغداد ضمن اعتراض رسمی به حضور این نیروها و درخواست خروج آنها، این موضوع را به نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی مانند اتحادیه عرب و سازمان ملل نیز ارجاع داده‌اند.

هر چند دولت ترکیه در سال گذشته تحت فشار دولت عراق، نهادهای منطقه‌ای مانند اتحادیه عرب و حتی متحدانش مانند آمریکا، تمارض به خارج کردن بخش‌هایی از نیروهای نظامی خود از اردوگاه بعشیکه نمود، اما رویکرد کلی آ‌ک‌ک پارتی و رویه جاری سیاست خارجی دولت اردوغان به گونه‌ای است که بالعکس این کشور را به مداخله هر چه بیشتر در امور داخلی عراق به بهانه همراهی با ائتلاف بین‌المللی مبارزه با داعش سوق می‌دهد. بدین ترتیب پارلمان ترکیه در ماه سپتامبر با اعزام نیروهای بیشتر به عراق موافقت نمود. بر این مبنا این نیروها می‌توانند تا دو هزار نفر افزایش یابند و از سوی مقامات ترکیه ادعا شده که آنها عهده‌دار آموزش نیروهای کرد، عرب و ترکمان برای مبارزه با داعش و مشارکت در عملیات آزادسازی موصل خواهند بود.

استان نینوا متهم می‌کنند. اما به رغم مخالفت ترکیه، بعید به نظر می‌رسد که بتوان مانع از اقدامات عملیاتی گروه‌های اقماری وابسته به پک کک مانند نیروهای مقاومت مردمی شنگال شد. به طور کلی عدم همراهی و مخالفت اغلب نیروهای محلی عراقی با اقدامات مداخله‌جویانه ترکیه هم اینک جنبه عام و فراگیر به خود گرفته و همین امر موانع عملیاتی بیشتری در برابر این نیروها ایجاد خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

در شرایط پیچیده کنونی عراق، به سختی می‌توان قطعیتی برای میزان هماهنگی میان نیروهای عمل‌کننده در عملیات آزادسازی موصل - که به مثابه نفس گاه و آخرین نقطه حضور داعش در این کشور است - قائل گردید و یا در صورت آغاز این عملیات نیز به دشواری می‌توان پیامدهایی ملموس برای آن در کوتاه‌مدت متصور شد. علاوه بر تفاوت و تعارض منافع نیروهای سیاسی - نظامی محلی اعم از کردها، اعراب اهل سنت، شیعیان، پک کک، دولت مرکزی و حکومت اقلیم کردستان، نقش و نفوذ سایر دولت‌ها از جمله ترکیه نیز در شکل‌دهی به فرایندهای مبارزه با داعش، بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید. طی سال‌های گذشته، ترکیه با اقدامات دولت و گروه‌های عراقی در مبارزه با داعش همکاری سازنده‌ای نداشته است. اقدامات این کشور جنبه مداخله‌جویانه و نقض حاکمیت ملی عراق به خود گرفته و به همین دلیل افکار عمومی و جهت‌گیری احزاب و نخبگان عراق نیز در تقابل با آن هستند. همراهی مقامات آنکارا با مواضع و اقدامات دولت‌های عرب مانند عربستان سعودی به ویژه در جریان اجلاسیه مشترک ترکیه با اعضای شورای همکاری خلیج فارس در ریاض نیز بر بی‌اعتباری آنان در داخل عراق می‌افزاید.

در این شرایط بعید به نظر می‌رسد ائتلاف بین‌المللی مبارزه با تروریسم بخواد ترکیه را به گونه‌ای مؤثر در عملیات آزادسازی موصل مشارکت دهد، زیرا این امر نه تنها تأثیری سازنده و حضوری مؤثر به شمار نمی‌آید بلکه به واگرایی نیروها در عرصه عملیاتی نیز خواهد افزود. در عین حال می‌بایست به محدودیت‌های ترکیه در عرصه‌های عملیاتی نیز توجه داشت. ترکیه دارای آن میزان از نفوذ اجتماعی و سیاسی در عراق نیست که با ایجاد گروه‌هایی وابسته به خود، پروژه جنگ نیابتی را طراحی و مدیریت کند. این تجربه و زور آزمایی ترکیه حتی در سوریه نیز شکست خورده به نظر می‌رسد. در این شرایط مقامات آنکارا چاره‌ای جز روی آوردن به ائتلاف‌سازی‌های ناقص و نیم‌بند با حکومت اقلیم کردستان و برخی گروه‌های کوچک عراقی

در داخل و ادامه همکاری با عربستان سعودی نخواهند داشت.

در این میان نکته مهم سمت‌گیری ضد ایرانی اقدامات و تحرکات در عراق است. ترکیه در ادامه رقابت تاریخی با ایران، در دوران گشایش قدرت منطقه‌ای کشورمان در دوره پسابرجام و در جبران ناکامی در سوریه علاوه بر تقویت بلوک‌بندی‌های ضد ایران به اتفاق عربستان و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، در داخل عراق نیز می‌کوشد از طریق مداخله مستقیم و تقویت گروه‌های متمایل به خود، ضعف موجود در برابر ایران را جبران نماید. اعمال این سیاست از سوی ترکیه تنها محدود به روش‌های سخت‌افزارانه و حمایت از گروه‌های عرب سنی، ترکمان و کردی نیست. در حوزه نرم نیز دستگاه رسانه‌ای وابسته به حزب عدالت و توسعه، تلاش پر حجم تبلیغاتی علیه ایران، دولت صدرالعبادی، نیروهای شیعه و حشدالشعبی را با برچسب‌زنی با عنوان‌هایی مانند فرقه‌گرایی، تشیع صفوی، رویای ایجاد امپراتوری و موارد مشابه، دنبال می‌کنند.

در این شرایط و با توجه به عملیات نیروهای بین‌المللی علیه داعش، برای جمهوری اسلامی ایران گسترش ارتباطات با همه طوایف عراقی به ویژه اعراب اهل سنت، احزاب سیاسی کردی و ترکمانی و تقویت دولت مرکزی و تلاش برای تنش‌زدایی میان همه طوایف عراقی بیش از گذشته ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این افزایش همکاری با سایر کشورهای مهم و مؤثر در پرونده عراق و مبارزه با داعش و اصرار بر لزوم حفظ یکپارچگی سرزمینی و حق حاکمیت ملی دولت مرکزی در عراق مورد تأکید است.

